

## غزل شماره ۶۴

اگر چه عرض، هنریش یار بی ادبست  
زبان خموش، ولیکن دهان پُر از عربست

پری نهفته رخ و دیو در کرمه حُسن  
بسوخت دیده ز حیرت که این چه بوالعجبست

در این چمن گل بی خار کس نچید آری  
چراغ مصطفوی با شرارِ بولهبست

سبب میسر که چرخ از چه سفلہ پرور شد  
که کام بخشی اور اہمانہ بی سیست

بہ نیم جو نخرم طاقِ خانقاہ و رباط  
مرا کہ مصطبہ ایوان و پای خمِ طنبست

جمالِ دخترِ ز نور چشمِ ماست مگر  
کہ در نقابِ زجاجی و پردہٴ عنیبست

خزار عقل و ادبِ دہم من ای خواجہ  
کنون کہ مستِ خرابم، صلاح بی ادیبست

یار می که چو حافظ هزارم اسطهار

به گریه سحری و نیاز نیم شب است

## تفسیر فال

در فعالیتی که به رقابت پرداخته‌ای، ممکن است شیوه‌های پشت پرده‌ای را اتخاذ کنی که نه تنها بر کیفیت کارت تأثیر بگذارد، بلکه روح و خصایص انسانی‌ات را نیز تحت الشعاع قرار دهد. نکند در این مسیر به خوی دیو گونه‌ای دچار شوی و صفات فرشته‌گون خود را فراموش کنی. همان‌طور که هیچ گلی بدون خار نیست، تو نیز از این قاعده مستثنی نیستی و باید بدانیم که هر موفقیتی نیازمند تلاش و صداقت است. در این میان، بی‌ارزش کردن کار دیگران تنها به دلیل بالا بردن ارزش کار خودت نه تنها اخلاقی و ادبی نیست، بلکه نشان‌دهنده‌ی ضعف در توانایی‌های خودت می‌باشد. بهتر آن است که با رعایت انصاف و احترام به زحمات دیگران، فضایی سالم برای رقابت ایجاد کنی تا همگان از این فرآیند بهره‌مند شوند.

به کوشش : [پارسی دی](#)

منبع تفسیرها: [آلامتو و سلام دنیا](#)